

درآمدی بر فلسفه آفرینش

کورش باقری

پورشاد

۱۳۹۳

سرشناسه : باقری، کورش، ۱۳۵۱.
عنوان و نام پدیدآور : درآمدی بر فلسفه آفرینش / کورش باقری
مشخصات نشر : تهران: پورشاد، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری : ۷۳ ص.
شابک : ۶۰۰۰ تومان 978-964-2875-56-6
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
موضوع : آفرینش
رده بندی کنگره : ۲۲۶BL:ب۲/۴۱۳۹۳
رده بندی دیویی : ۲۱۳
شماره کتابشناسی ملی: ۳۴۷۶۷۲۰

پورشاد

درآمدی بر فلسفه آفرینش

کورش باقری

چاپ اول: ۱۳۹۳

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

بها: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۶-۵۶-۲۸۷۵-۹۶۴-۹۷۸

خیابان مهروردي شمالي - خيابان خرمشهر - خيابان عربعلي - كوچه دوم

پلاک ۱۴ تلفن: ۸۸۷۶۹۵۳۲

فهرست

۵	پیش گفتار.....
۷	فصل اول - شدن.....
۲۱	فصل دوم - فرهنگ.....
۳۷	فصل سوم - عقل.....
۶۱	فصل چهارم - هنر.....
۶۷	سخن پایانی.....

پیش گفتار

ویژگی چیست، عقل چیست، سیاست چیست، هنر چیست، ویژگی هر یک از این‌ها چیست، به طور کلی ویژگی به خصوصیتی اطلاق می‌شود که دربردارندگی را معنا کند، ما چه داریم، به عنوان انسان چه داریم، چه می‌توانیم داشته باشیم و چه گونه، انسان دربردارنده نکات و عناصری است که علم امروز به کلیات آن پی برده است ولی ارتباط و عملکرد آن‌ها هنوز در حاله‌یی از ابهام قرار دارد. اگر کانونی به نام مغز وجود دارد که مرکز تمامی فعل و انفعالات و افکار و عقاید و مسالک و معیارهاست و به احساسات عینیت می‌بخشد وجدان آگاه یا ناآگاه را می‌سازد خود به عنوان یک توده سلولی چیز دیگری نیست ولی کارکرد آن با کارکرد فعال طبیعت و دنیایی که در آن زندگی می‌کنیم تشابهاتی دارد. ما از مغز صحبت نمی‌کنیم تا وقتی که از طریق آن یک پدیده خلق می‌شود. آن پدیده شعور خودآگاه است که حتی در موقع خواب نیز بخشی از آن بر حالات ما ناظر است. ما ویژگی نخستین مان پندارگرایی است. اندیشه فهمی است در واقع فهم چه گونه فهمیدن است. فهمیدن موتور محرک مغز است و حاصل آن زندگی است. چه در چه‌گونگی و چه در اجرای آن. ما وقتی زندگی

می‌کنیم که آن را فهم می‌کنیم. ارتباط ما با جهان از دریچه فهم ما می‌گذرد و جهان پیرامون ما در سایه مفهوم خود معنی می‌شود. این خود که عمدتاً خودآگاه است ما را در مسیر زندگی به سمت اهداف و نیازهای متعالی و نیازهای غریزی مشخص سوق می‌دهد. ما می‌فهمیم که چه می‌خواهیم و یاد می‌گیریم که چه گونه به خواسته خود برسیم. این نوع از افکار ماحصل وقایع مختلف درونی و بیرونی است که با این دو با هم هماهنگ می‌شوند و چیزی به اسم شخصیت را شکل می‌دهد و یا در اکثر موارد از هم جدا و منفصل باقی می‌مانند. که به خاطرات و تصمیمات آنی ما منتج می‌شود. خاطرات خوش و شخصیت بالغ از تفرعات چه گونه اندیشیدن است و تصمیمات درست و نادرست و شخصیت بالغ و نارس و خاطرات خوش آیند و ناخوش آیند از ملحقات اندیشیدن است که به نوعی سرگشتگی و عدم امتزاج و هماهنگی بدل می‌شود. خاطرات ما و حافظه طولانی مدت مان، به ما می‌گوید چه سرگذشتی داشته‌ایم و از کجای آن راضی و از کجای آن ناراضی هستیم.

ما در پی ویران کردن لحظه‌هایی هستیم که احساس و ویرانی را در ما زنده می‌کند و آن قسمت‌هایی که به نوعی بالندگی و غرور می‌رسیم لحظه‌هایی است که اندیشه ما نتیجه داده و به نوعی ذهنیت و تفکر درباره خود و محیط پیرامون مان می‌رسیم. این اندیشگی یک نوع ماهیت فعال برای پذیرش چه گونه بودن به وجود می‌آورد که فلسفه حیات است و چون به فلسفه می‌رسیم به بنیان‌ها و مبدا آن یعنی ذات باری تعالی نزدیک می‌شویم. نه از حیث بودن بلکه از لحاظ شدن.

و آن چه در این وجیزه می‌خوانید طریقی است برای «شدن» لااقل آن گونه که این راقم این سیر را خود درنور دیده است.